

همزمان با برگزاری تجمع‌های مردمی در شب‌های مقاومت، نشر شهیدکاظمی در اقدامی فرهنگی، طرح «میز کتاب مقاومت» را با هدف تقویت فعالیت‌های محتوایی و ترویج کتابخوانی در موبک‌ها، مساجد و ایستگاه‌های فرهنگی سراسر کشور آغاز کرد. نشر شهید کاظمی در راستای رسالت فرهنگی و اجتماعی خود و باتوجه به

ارائه طرح میز کتاب با مقاومت در سراسر کشور



در این برنامه، نشر شهید کاظمی مجموعه‌ای از کتاب‌های منتخب را برای عرضه در موبک‌ها، ایستگاه‌های فرهنگی، مساجد و سایر مراکز مردمی پیشنهاد می‌دهد. این میزها شامل بسته‌های متنوع کتاب برای سه‌گروه سنی کودک، نوجوان و بزرگسال است.

حضور خودجوش مردم در شب‌های مقاومت، طرح «میز کتاب مقاومت» راه‌اندازی کرده است. این طرح با هدف افزودن یک بُعد محتوایی و معرفتی به تجمع‌های مردمی طراحی شده تا حضورها تنها به فعالیت‌های نمادین محدود نشود و حلقه‌های اثرگذار فرهنگی نیز در کنار آن شکل گیرد.

شکست انحصار روایت با خلاقیت ایرانی

آمریکا و اسرائیل در جنگ اخیر علاوه بر تحمل خسارت در میدان، در عرصه روایت و مدیریت ادراک نیز به اذعان رسانه‌های مختلف ناکام ماندند



محمدحسین آزادی
دانشجو و کنتراری
مطالعات رسانه

در جنگ‌های قرن بیست و یکم که ماهیتی ترکیبی و نامتقارن دارند پیروزی فیزیکی به تنهایی تضمین‌کننده موفقیت راهبردی نیست بلکه نبرد اصلی در حوزه شناختی و در ذهن مخاطبان رقم می‌خورد. به بیان ساده‌تر پیروزی در عرصه ادراکی اهمیتی بیش از غلبه میدانی دارد. همان‌گونه که لارنس فریدمن تأکید می‌کند: «جنگ‌ها در ذهن برده می‌شوند، نه در میدان»

در این میان، رسانه نقشی محوری در تحول پارادایمی نبردهای معاصر ایفا می‌کند. ادغام منطق نظامی با منطق رسانه‌ای، موجب رسانه‌ای شدن جنگ‌های کنونی شده به‌گونه‌ای که رسانه از ابزاری صرف برای انتقال خبر، به عرصه‌ای راهبردی در جنگ تبدیل شده است. امروزه تأثیرگذاری بر ادراک مخاطبان، فعالیتی حاشیه‌ای یا صرفا پس از عملیات نیست بلکه در هسته برنامه‌ریزی‌های عملیاتی ادغام شده است. انتخاب زمان حمله، پرهیز از عملیات در روزنهایی روز یا تأخیر در اعلام آمار تلفات، همگی تصمیماتی هستند که مستقیماً از منطق «مدیریت ادراک‌ها» نشأت می‌گیرند. به عبارت دیگر در نبردهای معاصر، حتی با کسب پیروزی میدانی، شکست در ساحت ادراکی می‌تواند دستاوردهای عملیاتی را کاملاً خنثی کند.

بر همین پایه، غرب و به‌ویژه آمریکا در دهه‌های اخیر همواره از رسانه به عنوان سلاحی کارآمد در جنگ‌های متعدد خود بهره برده‌اند. آنها تلاش کرده‌اند تا طیف وسیعی از رسانه‌ها، از بازی‌های رایانه‌ای و مطبوعات گرفته تا شبکه‌های خبری ۲۴ ساعته را در خدمت همراه‌سازی افکار عمومی، مشروعیت‌بخشی به مداخلات نظامی و مدیریت روایت‌های میدانی قرار دهند. نقش شبکه‌های ساین‌ان در جنگ خلیج فارس شاید مشهورترین نمونه این راهبرد باشد. آمریکا از رسانه‌ها در تمامی مراحل درگیری یعنی پیش‌جنگ، حین جنگ و پس‌جنگ بهره می‌برد. از این رو سال‌ها کوشیده تا تصویر جامع شرقی و به‌ویژه ایران پس از انقلاب اسلامی را مخدوش کند و چهره‌ای خشونت‌طلب، غیرعقلانی، عقب‌مانده و بی‌ثبات‌کننده از آن به جهان ارائه دهد تا از این رهگذر، هرگونه اقدام سیاسی، نظامی یا اقتصادی علیه ایران را مشروع جلوه سازد.

در همین راستا فیلم‌هایی چون «مصلح» (۱۳۷۶)، «یک مشت دروغ» (۱۳۸۷) و «آدمکش آمریکایی» (۱۳۹۶) و سریال‌هایی نظیر «میهن دوست» (۱۳۹۵)، «هولمند» (۱۴۰۰) و «تهران» (۱۴۰۴) بر پرده هسته‌ای ایران متمرکز شدند و با طرح ادعاهای واهی درباره ساخت بمب اتمی تلاش کردند اقدامات نظامی و خرابکارانه علیه برنامه هسته‌ای ایران را توجیه کنند.

حتی در بازی‌های رایانه‌ای مانند «کوما وار» (۱۳۸۵)، «بتلفیلد ۳» (۱۳۹۱) و «کال آو دیوتی» (۱۳۹۸) نیز همین خط راهبردی دنبال شد.

سرانجام این جنگ که آمریکایی‌ها بیشتر در آثار رسانه‌ای مختلف آن را نوید داده بودند، محقق شد. آنها در دو مرحله یعنی خرداد و اسفند ۱۴۰۴ با همراهی رژیم اسرائیل، دست به حمله نظامی علیه ایران زدند. در هر دو نبرد تلاش آنها بر اجرای شگرد «سوزاندن ادراک‌ها» استوار بود؛ راهبردی که بخش مهمی از دکترین نظامی اسرائیل به‌شمار می‌رود. این نگرش که با رواج اصطلاحی از سوی موشه یعلون رئیس ستاد وقت ارتش اسرائیل شناخته می‌شود، بر این اصل استوار است که هدف عملیات نظامی، صرفاً تخریب زیرساخت‌های فیزیکی دشمن نیست بلکه ایجاد تغییراتی بنیادین در باورها، ترس‌ها و محاسبات راهبردی مخاطبان هدف است. این اصطلاح به‌معنای ایجاد شوک شناختی در دشمن و جامعه حامی اوست به‌گونه‌ای که محاسبات پیشین آنها درباره هزینه و فایده مقاومت بی‌اعتبار شود و به این باور برسند که ادامه درگیری، غیرعقلانی و پرهزینه است. از جمله سازوکارهای اجرایی این شگرد می‌توان به عملیات‌های سریع، دقیق و دارای تأثیر رسانه‌ای بالا، نظیر تروهای هدفمند و تخریب نمادین (مانند هدف قرار دادن زیرساخت‌های نمادین دشمن) اشاره کرد.

در این دو جنگ و به‌ویژه در جنگ تحمیلی سوم، نیروهای آمریکایی و اسرائیلی به‌طور گسترده به ترور رهبران و فرماندهان سیاسی و نظامی ایران و همچنین هدف قرار دادن زیرساخت‌های کشور اقدام کردند. با این وجود آنچه در صحنه واقعیت رخ داد کاملاً خلاف انتظار آنها بود. انتخاب و جایگزینی سریع رهبر سوم انقلاب، حضور گسترده مردم در میداين و خیابان‌ها و نقطه اوج آن یعنی تشکیل زنجیره‌های انسانی پیرامون زیرساخت‌های کشور-آن هم با وجود تهدید جدی دشمن به بمباران این اماکن- شگرد «سوزاندن ادراک» را با ناکامی مواجه ساخت. نیروهای متخاصم در این جنگ، نه تنها در صحنه درگیری نظامی بلکه

در عرصه مدیریت روایت نیز از دستیابی به اهداف خود بازماندند. آنچه به‌ویژه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا- به‌عنوان سنگتوی نانوخته این جنگ- مطرح می‌کرد، با واقعیت‌های میدان همخوانی نداشت. او که بارها و بارها اهداف جنگ را تغییر داد، چندین مرتبه اعلام پیروزی کرد و ادعا نمود ایران را محو کرده، رژیم آن را تغییر داده و نیروهای نظامی‌اش را نابود ساخته است اما ساعاتی نگذشته بود که با ساقط شدن هواپیماهای پیشرفته، شلیک گسترده موشک‌های بالستیک، بمباران پایگاه‌های نظامی و از دست رفتن کنترل تنگه هرمز به‌عنوان شاهراه حیاتی انرژی جهان مواجه شد.

از سوی دیگر، نظارت ۲۴ ساعته رسانه‌های جهانی، اقدامات نظامی را زیر ذره‌بین برده است. اقدام این دو ارتش در هدف قرار دادن مدرسه میناب و شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز و حمله به ناو آموزشی دنا و شهادت بیش از ۱۰۰ دانشجو افسری، واکنش‌های گسترده‌ای را در سطح جهان برانگیخت. نمایش فیلم حمله به یک پل نیمه‌تمام در حساب کاربری ترامپ و تهدیدات عجیب او مبنی بر حمله به زیرساخت‌هایی چون نیروگاه‌های برق و پل‌های ارتباطی و همچنین ادعای نابود کردن یک تمدن، بر شدت این واکنش‌ها افزود. این اقدامات چنان ابعاد ی‌یافت که سیاستمداران و شهروندان آمریکایی- حتی برخی از حامیان پرو و باقرص او- آنها را جنایت جنگی خواندند، ترامپ را فردی روانی و فاقد صلاحیت لازم برای اداره کشور دانستند و خواستار اجرای

متمم ۲۵ قانون اساسی علیه او شدند. همین دو عامل مهم (شکاف میان واقعیت و روایت و بروز چالش‌های اخلاقی) برای نخستین بار، فضا را برای طرح انتقادات گسترده در رسانه‌های



ارتش آمریکا و اسرائیل در این جنگ نه تنها در میدان نظامی متحمل خسارت شدند و در باتلاق جدی برای خود و هزینه‌های سنگین برای اقتصاد جهانی گرفتار آمدند بلکه در عرصه روایت و مدیریت ادراک نیز به اذعان رسانه‌های مختلف ناکام ماندند. آنها حالا علاوه بر میدان نبرد، در مستأصل شده‌اند

اصلی نیز فراهم کرد. این رسانه‌ها راهی جز پذیرش واقعیت میدان نداشتند و از این رو شخص ترامپ و تیم او را مسئول این جنگ بی‌سرانجام و پرهزینه معرفی کردند. آنها که به‌طور شفاف شاهد سردرگمی تیم ترامپ در بیان اهداف جنگ و دستیابی به موفقیتی ملموس، تبعات گسترده اقتصادی و اقدامات غیراخلاقی این دو ارتش بودند، به شکل گسترده‌تر آن را به باد انتقاد گرفتند؛ موضوعی که موجب خشم ترامپ و وزیر جنگش شد و این دو بارها به رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال و...

حمله کردند.

اما به یکی از مهم‌ترین چالش‌های آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در این جنگ می‌رسیم؛ جایی‌که فناوری‌های غیرمتمرکز همچون رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی مولد- علی‌رغم اعمال محدودیت‌های گسترده برای ایرانیان- فضا را برای نقش‌آفرینی گسترده جوانان ایرانی و در دست گرفتن روایت جنگ فراهم ساخت. این همان نقطه‌ای است که این نبرد را از هر جنگ پیشین متمایز می‌کند. تا حد زیادی، انحصار تولید پیام از دست رسانه‌های جریان اصلی خارج شد و «خلأ اطلاعاتی» ناشی از سانسور گسترده ارتش آمریکا، اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس، نتیجه‌ای معکوس داد و زمین را برای گسترش روایت ایرانی هموار کرد.

آنها هرگز تصور نمی‌کردند که ایرانی‌ها با تولید گسترده و انتشار ویروسی آثار هنری نظیر انیمیشن‌های ژانر لگو و سایر تولیدات هوش مصنوعی، روایت جنگ را در دست بگیرند و پیش از آن‌که ارتش آمریکا یا اسرائیل بتوانند موضعی رسمی درباره عملیات‌ها اتخاذ کنند، افکار عمومی جهان را با این تولیدات شکل دهند. ذائقه‌شناسی دقیق مخاطبان جهانی و شناخت هوشمندانه نمادها، ضریب نفوذ گسترده‌ای به این تولیدات بخشید. علاوه بر این، ترامپ در عرصه فرستنه‌نویسی نیز با رقبای سرسختی در دولت ایران مواجه شد. توییت‌های مقامات و فرماندهان ایرانی در کنار میم‌های منتشرشده در صفحات سفارتخانه‌های ایران که بعضاً به زبان انگلیسی و با شناخت دقیق فضای ذهنی شهروندان آمریکایی طراحی می‌شد، امکان یکه‌تازی او در این فضا را از بین برد.

بدین ترتیب، ارتش آمریکا و اسرائیل در این جنگ نه تنها در میدان نظامی متحمل خسارت شدند و در باتلاق جدی برای خود و هزینه‌های سنگین برای اقتصاد جهانی گرفتار آمدند بلکه در عرصه روایت و مدیریت ادراک نیز به اذعان رسانه‌های مختلف ناکام ماندند. آنها حالا علاوه بر میدان نبرد، در میدان ذهن‌ها نیز مستأصل شده‌اند. نتیجه آن شده که در اسرائیل محبوبیت نتانیا‌هو به زیر ۲۰ درصد و محبوبیت رئیس‌جمهور آمریکا نیز به کمترین میزان ممکن، یعنی ۳۳ درصد رسیده است و بیش از سه چهارم آمریکایی‌ها با این جنگ مخالفند؛ و حالا به تعبیر ترامپ در این وضعیت آشفته: «خواهیم دید چه خواهد شد!»

یادداشت

سیدمصطفی‌واردی آکاشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

آخرین هدیه رهبر شهید به ایران و ایرانیان

رهبر شهید با اشاره به روند پیشرفت و توسعه کشور، بارها در بیانات خود از نزدیک بودن به قله یاد کرده بودند؛ تعبیری که برای برخی این تردید را ایجاد می‌کرد که با وجود فشارهای سنگین اقتصادی و معیشتی، چگونه سخن از دستیابی به قله‌های عزت و افتخار قابل توجه است. پاسخ به این تردید را نه در شاخص‌های اقتصادی، بلکه با نگاهی کلان‌تری می‌توان در جنگ‌های اخیر با دشمن آمریکایی- صهیونیستی مشاهده کرد.

مقاومت و تاب‌آوری در برابر تحریم‌های سنگین اقتصادی را می‌توان اولین نمود از توان و اقتدار ملی دانست؛ تحریم‌هایی که هرچند مسبر توسعه و پیشرفت را دشوار کرده و مشکلات اقتصادی و معیشتی فراوانی را موجب شده اما منوانسته در آرمان‌های انقلاب اسلامی خللی وارد کند. افزون بر این، در میانه همین تحریم‌ها، دستاوردها و پیشرفت‌های قابل توجهی در عرصه‌های مختلف علمی، صنعتی، نظامی و... نیز به دست آمده که برآیند این مقاومت و پیشرفت موجب شد تا دشمن پس از ناکامی و ناامیدی در به زانو درآوردن انقلاب اسلامی از طریق فشار اقتصادی، رو به تهاجم نظامی آورد تا این بار نه از طریق واسطه‌ها و مجامع بین‌المللی صاحب نفوذ، بلکه به صورت مستقیم کشور را وادار به تسلیم و سازش کند.

در نخستین تهاجم نظامی مستقیم در خرداد ماه سال گذشته، رژیم صهیونیستی در اقدامی غافلگیرانه، فرماندهان ارشد نظامی را ترور و سامانه‌های پدافندی و آفندی کشور را مورد هجوم قرار داد اما به صورت معجزه‌آسایی که شگفتی کارشناسان نظامی و سیاسی جهان را در پی داشت، ایران نه تنها توانست در همان روز، قوای خود را بازسازی کند و از حالت تدافعی به حالت هجومی تغییر موضع دهد، بلکه در ادامه جنگ چنان ضربات سختی به دشمن وارد کرد که برای نجات رژیم صهیونیستی، به ناچار آمریکا مجبور به مداخله نظامی مستقیم شد و مراکز هسته‌ای ایران را بمباران کرد که پاسخ ایران در حمله به پایگاه آمریکایی العدید قطر، منجر به آتش بس بین طرفین شد.

مقاومت و تاب‌آوری در این جنگ غافلگیرانه را می‌توان نمود قابل توجه دیگری در اقتدار نظام سیاسی و نظامی کشور دانست که به گفته بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی و نظامی، رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای نقش ویژه‌ای در این موفقیت داشته است.

سومین نمود از اقتدار نظام جمهوری اسلامی را می‌توان در مواجهه مستقیم با آمریکا در رویارویی نظامی حال حاضر دانست. ناکامی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه و برآورد این موضوع که اسرائیل به تنهایی توانایی مقابله با ایران را ندارد، منجر به تصمیم رئیس‌جمهور جاه‌طلب و مغرور آمریکا به اقدام نظامی بر علیه ایران شد. ترامپ سرمست از قوای نظامی، در حالی که در تهدید و تحقیر همسایگانش تاشیوخ عرب و متحدین آسیایی اروپایی‌اش

هماوردی نمی‌یافت، در رؤیای تکرار موفقیت هالیوودی حمله به ونزوئلا، اقدام به حمله نظامی و ترور مقامات ارشد ایرانی نمود.



متن کامل

قاب



شش اثر موسیقی که برای جنگ ساخته شد

در پی تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران، شش قطعه اثر موسیقی نواحی برای این ایام تولید شد. این شش قطعه موسیقی حماسی توسط گروه «ساززین» به سرپرستی پیمان بزرگ‌نیا و روایت بهاره جهان‌دوست اجرا و توسط بنیاد رودکی تولید شده‌اند. «فرزند ایران» از مازندران، «ججوخان» از شمال خراسان، «سردار اسدبختیاری» از ایل بختیاری، «سردار عیوض‌خان» از شمال خراسان، «رئیس‌علی دلواری» از بوشهر و «کورغلو» از آذربایجان از جمله این قطعات به‌شمار می‌روند. علاوه بر این، از ابتدای جنگ تا امروز تعداد بسیاری از هنرمندان عرصه موسیقی به ساخت و ارائه آثاری متناسب با این موضوع کرده‌اند.

موسیقی

چراغ کنسرت‌ها روشن می‌شود

پس از حدود دو ماه تعطیلی برگزاری کنسرت‌های تهران، به نظر می‌رسد دو کنسرت در اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، پس از پایان یافتن جشنواره موسیقی فجر و با آغاز جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، برگزاری کنسرت‌ها هم با وقفه مواجه شد. اکنون اما براساس آنچه در سایت‌های بلیت‌فروشی اعلام شده، به نظر می‌رسد که «کینگ رام» قرار است از چهارم اردیبهشت تا روز هفتم اردیبهشت در مجموعه تئاتر لیخند در دو سانس ۱۹ و ۲۲ روی صحنه برود. همچنین قرار است بلیت‌های این کنسرت تا سقف یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان با ۱۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده به فروش برسد. اجرای دیگر، رستیتال پیانو فریدون ناصحی (شب شوین. شب لیست) است که ۲۴ اردیبهشت‌ماه ساعت ۲۰ در تالار رودکی روی صحنه می‌رود. این درحالی است که در شرایطی با تعطیلی کنسرت‌ها مواجه بوده‌ایم که منبع درآمد بسیاری از اهالی موسیقی از طریق کنسرت‌ها تأمین می‌شود.



نشر

انتشار چاپ تازه کتاب «آینشتاین»

چاپ تازه کتاب «آینشتاین» اثر جرمنی برنشتاین با ترجمه احمد بیرشک پس از ۲۶ سال منتشر شد. کتاب «آینشتاین» به قلم جرمنی برنشتاین (نویسنده و استاد دانشگاه آمریکایی) یک اثر روایی تاریخی با تمرکز بر زندگی آینشتاین است در روزگاری که نظریه‌های علمی خود را جهانی کرد. بیرشک مترجم اثر در مقدمه این کتاب می‌نویسد که تنظیم کتاب علمی برای خوانندگان اهل علم دشوار نیست؛ زیرا با زبانی که برای شان بیگانه نیست با آنان سخن می‌گوید و فهمش برای شان آسان است اما علم را باید در دسترس غیر اهل آن گذاشت و این کاری است که از عهده همه کس بر نمی‌آید.

چاپ اول کتاب «آینشتاین» اثر جرمنی برنشتاین با ترجمه احمد بیرشک در سال ۱۳۶۱ منتشر شده و اکنون چاپ سوم آن از سوی انتشارات خوارزمی روانه بازار کتاب شده است.

